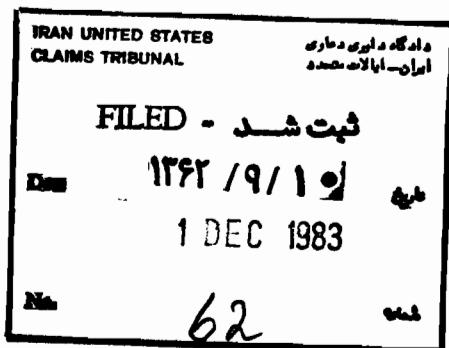


دیوان داوری دعاوی ایران - ایالات متحده

پرونده شماره ۶۲
شعبه سه
حکم شماره ۳ - ۶۲ - ۷۴

DUPLICATE
ORIGINAL
«نسخه برابر اصل»



بلاست برای درز کورپوریشن ،
خواهان ،
- و -
دولت ایران و
شرکت گسترش مسکن ،
خواندگان .



_____ حکم _____

حاضران :

از طرف خواهان : آقای ای.اچ.گیدی. جونسون .

آقای لنت بی. دیویس

وکلای خواهان

آقای دبلیو.ا.ج. مالینزا زبلاست برای درز کورپوریشن

از طرف خواندگان : آقای محمدکریم اشراق، نماینده رابط جمهوری اسلامی ایران

آقای خسرو طبسی ، مشاور حقوقی نماینده رابط جمهوری اسلامی ایران

آقای ج. مولائی

آقای میرشفیعیان از وزارت مسکن

آقای مرتضی مصطفوی از شرکت گسترش مسکن

- ۲ -

سایر حاضران : خانم جیمیسون سلبی
 قائم مقاًمنعاً ینده رابط ایالات متحده آمریکا

اول - جریان دعوی

در تاریخ ۱۷ نوامبر ۱۹۸۱ (۲۶ آبانماه ۱۳۶۰) بلانت برادرز کورپوریشن
 ادعائی علیه ایران به ثبت رسانده و دولت ایران ، وزارت مکن و شهرسازی
 ایران ("وزارت مکن") و شرکت گسترش مکن راکه بنایه ادعای
 خواهان ، موسسه ، تشکیلات یا واحدی است تحقیق کنترل دولت ایران ،
 خوانده قرارداد.

وزارت مکن و شهرسازی در تاریخ ۶ آوریل ۱۹۸۲ (۱۲ فروردینماه ۱۳۶۱)
 لیحه دفاعی و در تاریخ ۲۸ آوریل ۱۹۸۲ (۸ اردیبهشت ماه ۱۳۶۱) ادعای
 متقابلی را به ثبت رسانید . خواهان در تاریخ ۸ زوئن ۱۹۸۲ (۱۸ خردادماه
 ۱۳۶۱) جوابه ای در مورد ادعای متقابل خوانده به ثبت رساند . در تاریخ
 اول اکتبر ۱۹۸۲ (۹ مهرماه ۱۳۶۱) جلسه استماع مقدماتی این پرونده تشکیل
 شد و متعاقب جلسه ، دیوان داوری طی دستوری از خواهان
 خواست که حد اکثر تاریخ اول نوامبر ۱۹۸۲ (۱۵ آبانماه ۱۳۶۱) مدارکی
 سیرا مون بازه ای موضوعات مربوط سه ملاحیت ، تسلیم نمایند و نیز تمام طرفها را

- ۲ -

موظف نمودک کلبه ادلہ و مدارک واستدلالات حقوقی را که مایل شنید در ارتساط ساده ها و مدافعت تسلیم کنند و اطلاعات مربوط به شهودی را که در حمله استماع ارائه خواهند کرد، حداکثر تاریخ ۲۱ زانویه ۱۹۸۳ (۱۱ بهمن ماه ۱۳۶۱) به ثبت رسانند. طی دستوری که متعاقباً صادر شد، مهلت مزبور تا تاریخ ۲۱ فوریه ۱۹۸۴ (۲ آسفند ماه ۱۳۶۱) تمدید گردید.

در تاریخهای اول و پنوا میزبان ۱۹۸۲ (۱۵ و ۱۶ آبان ماه ۱۳۶۱) خواهان مدارکی را بر رابطه با موضوع ملاحیت به ثبت رسانید

در ۲۱ زانویه ۱۹۸۳ (۱۱ بهمن ماه ۱۳۶۱)، خواهان و وزارت مسکن و شهرسازی استدلالات و مدارک خود را به ثبت رسانند.

در تاریخ اول مارس ۱۹۸۳ (۱۵ آسفند ماه ۱۳۶۱) گسترش مکن لابحه دفاعی را ثبت و افادام به طرح ادعای متقابلی نمود. وزارت مسکن نیز مدارک دیگری به ثبت رساند.

در تاریخهای ۱۱ و ۱۴ مارس ۱۹۸۳ (۲۰ و ۲۳ آسفند ماه ۱۳۶۱) گسترش مکن مدارک دیگری به ثبت رسانید. خواهان به ثبت دیرتر از موعد مدارک توسط خواننده اعتراض و درخواست کرد که این مدارک از جریان رسیدگی حذف شود.

جلسه استماع در تاریخهای ۱۴ و ۱۵ مارس ۱۹۸۳ (۲۳ و ۲۴ آسفند ماه ۱۳۶۱) تشکیل شد. گسترش مسکن، طی جلسه استماع ادعای متقابل دومی تسلیم کرد. (مدارک مربوط به) موضوع در پایان جلسه استماع به دیوان داوری ارائه شد.

دیوان داوری طی دستور مورخ ۱۹ آوریل ۱۹۸۳ (۳۰ فروردین ماه ۱۳۶۲)

بروزه به علت بعضی اقدامات وزارت مسکن و شهرسازی به تعویق افتاد. خواهان معتقد است که وزارت مسکن و شهرسازی در تخصیص زمین جهت استقرار قرارگاه موقت ساختمانی، در تکمیل و تمویب مساحتی زمین و نقشه محل و تحويل قطعات تسطیح شده و تعیین محل ساختمانها تا خیرنماوده است. خواهان مدعی است که وی و گسترش مسکن از یک طرف و وزارت مسکن و شهرسازی از طرف دیگر، توافق نمودند که طبق برنامه تنظیمی کار ساختمانی پروژه را در زمانیه ۱۹۷۸ شروع و ظرف ۳۰ ماه آنرا به پایان رسانند^(۱).

خواهان مدعی است که در دسامبر ۱۹۷۸، از گسترش مسکن تقاضا نمود که به وزارت مسکن و شهرسازی اطلاع دهد که به علت انقلاب وضعیت فورس مازور پیش آمده است. خواهان بعنوان اظهار می دارد که تا آن موقع حدود ۲۳ درصد کل پروژه (براساس نسبت صورتحسابها به کل مخارج پیش بینی شده یا قیمت پایه قرارداده در قرارداد ساختمان مندرج است) باتمام رسیده بود.

خواهان اظهار می دارد که گسترش مسکن و گسترش - بلات ملی شده یا در هر حال بمفهوم بیانیه حل و فصل دعاوی در کنترل دولت ایران است.

خواهان مدعی است که وی بموجب قرارداد مدیریت مسحق دریافت (الف) ۲/۵ درصد نرخ پایه قرارداد به عنوان حق الرحمه مدیریت یا مبلغ ۱۰۹۳۵،۷۶۸ دلار (ب) سهم سود تخفیفی به میزان ۱،۱۵۸،۴۶۱ دلار،

(۱) ساید متذکر شده برخلاف تصویر خواندنگان، خواهان ادعای خاصی را بر منای تا خیرهای ادعایی وزارت مسکن و شهرسازی قرار نداده و ادعای "ازباب دفاع در مقابل ادعای متقابل عنوان شده است.

- ۸ -

(ج) مبلغ ۹۴۶,۲۹۳ دلار دیگر سات حق الزحمه مدیریت برآساں با خص
تعديل مندرج درقرارداد (د) ۳۳۵,۹۵۹ دلار بابت هزینه‌های قابل
استرداد می‌شد. خواهان اظهار می‌دارد که مبلغ ۳۹۸,۱۶۸ دلار بدوفی
پرداخت شده ولذا باداکنون مبلغ ۳,۹۷۳,۳۱۳ دلار سامانه ببرده
دیرکرد و مخارج داوری به‌وی پرداخت گردد. خواهان بسته‌گسرو جویی
که بابت مالیات به‌این مبالغ تعلق می‌گرفته ایرادی ندارد.

خواهان معتقد است که برآساں هر که از شوربیای مختلف حقوقی دخل
مستحق دریافت وجوده مذکور می‌شد؛ در رابطه اقرارداد مدیریت
با گسترش مسکن که طبق اظهار خواهان، واحدی است تحت کنترل دولت ایران،
ویابه علت مصادره ادعائی حقوقی قراردادی توسط
ایران، استحقاق دریافت وجوده را دارد یا اینکه به علت مداخله ادعائی
ایران در حقوق فراردادی خواهان، وی مستحق دریافت خارت است.
خواهان ادعا می‌کند که مستحق دریافت حق الزحمه‌های خود برآساں
قیمت کل قرارداد می‌شد زیرا دولت ایران مانع اجرای قرارداد شده
در حالیکه پروردگار گسترش مسکن ادامه یافته و گسترش مسکن بکار در پروردگار
وکب در آماده‌زاده است.

خواهان استدلال می‌کند که ادعای وی ارسطی به قرارداد وزارت
مسکن و شهرسازی نداشته و ولذا تبدیل نتایب دادگاه صالح درقرارداد
مزبور قابل اعمال نست. (روحشود به نسخه ۲ زیر) حتی اگر این
تبیدقابل اعمال می‌بود، طبق اظهار خواهان بازهم بمحض شرط استثناء
مندرج در بیانیه حل و فصل دعا وی از دیوان سلب صلاحیت نمی‌نمود.

خواهان استدلال می‌کند که وی در برآبروز از مسکن و شهرسازی مسئولیتی
در مورد تاختیر در کار پروردگار ندارد زیرا تفسیر تاختیرها متوجه وزارت مسکن

- ۹ -

و شهرسازی و موردنیبول وی بوده و دیوان صلاحیت رسیدگی به جنین ادعائی را ندارد. مثافا " خواهان ادعایی کندکه دیوان صلاحیت رسیدگی به ادعاهای مالیات یا بیمه‌های اجتماعی را ندارد و داده این امور را اگر صلاحیت می‌دانست، وی دینی با بت مالیات و حق بیم‌نداشد.

دوم - اظهارات خوانندگان

خوانندگان . بدل آنکه خواهان تابیت آمریکاش خود را اثبات نکرده، به صلاحیت دیوان داوری انترافی دارند.

وزارت مسکن و شهرسازی معتقد است که در مورد هویت خواننده واقعی ابها م وجود داشته و دیوان داوری صلاحیت رسیدگی به ادعای مطروح علیه گشرش مسکن را ندارد، زیرا که گشرش مسکن واحدی تحت کنترل دولت ایران نیست.

وزارت مسکن و شهرسازی همچنین ادعایی شاید که سند ۲ ماده ۱۴۵ قرارداد بین وزارت مسکن و شهرسازی از یک طرف و خواهان و گشرش مسکن از طرف دیگر، حاوی قبضی است دایر برآ برآ نکه اختلافات باید به دادگاهی مالح ایران ارجاع گردد ولذا طبق سیاست حل و فصل دعاوی، دیوان داوری صلاحیت رسیدگی به دعاوی ناشی از قرارداد را ندارد.

وزارت مسکن و شهرسازی ادعایی کندکه قرارداد ساختمان فیما بین خواهان و گشرش مسکن بوده و خواهان منفردا " و متغرا منا " مسئول اجرای فرادراد است . خواهدگان استدلال می‌کندکه قرارداد

- ۱۰ -

مدیریت که در آن خواهان تعهدات خود تحت قرارداد ساختمان را محدود کرده بدون اجازه رسمي امضا شده و در نتیجه فاقد اعتبار می باشد.

خوانندگان اظهار می دارند که گسترش مسکن طبق قرارداد ساختمان وجهی دریافت ننموده و بنا بر این ادعای ۲/۵ در صدقه الزحمه بر مبنای اینگونه وجوده بی اساس می باشد. خوانندگان بعلاوه اظهار می دارند که پروژه برای پیمانکار سودآور نبوده و در نتیجه ادعای ۱۵ در صدد فاقد اعتبار می باشد. خوانندگان همچنین اظهار می دارند که پروژه در نتیجه فعل و ترک فعل بلانت بتعویق افتاده بطوریکه بلانت در هر حال مستحق دریافت حق الزحمه نبوده است. بعلاوه، استدلال خوانندگان اینست که اگر قرارداد مدیریت چه در اثر فورس ماژور یا بعلت دیگری فسخ شده باشد، بلانت مستحق دریافت هیچگونه حق الزحمه ای نیست.

خوانندگان دو ادعای متقابل مطرح می نمایند. اول اینکه به دلیل تاخیر ادعائی پروژه که مسبب آن بلانت بوده، برآسان شرط جریمه مندرج در قرارداد ساختمان ادعای خساراتی به مبلغ ۵۲۴،۱۷۵،۸۴۰ ریال بعلاوه بهره متعلقه دارد، و ثانیا "بابت مالیات مبلغ ۵۹۱،۹۷۵ ریال و با بت حق بیمه های اجتماعی مبلغ ۱۰۱،۷۰۸،۵۶۰ ریال بعلاوه بهره متعلقه مطالبه می کنند.

سوم - دلائل حکم

۱ - صلاحیت رسیدگی به دعوا

خواهان تعدا دی گواهی ارائه نمودکه نشان می دهد شرکت ما دروشرکت

بوجود آورشده آن (ملات اینکورپوریتد) شرکت‌های آمریکائی هستند. نامبرده محققین اسنادی مشتمل بر وکالت‌نامه‌های تفویض‌حق را و شهادت‌نامه‌های بقید‌سوگند ارائه‌داده حاکی از اینکه بیانش از ۵۰ درصد با مداران بلات اینکورپوریتد رکلی داوات‌ذیربسط متعلق به اتباع ایالات متحده آمریکا بوده و می‌باشد. هیچ‌گونه مدرکی که مخالف این واقعیات باشد وجود ندارد. بنابراین دیوان داوری متقادع شده است که خواهان طبق تعریف کلمه در بیانیه حل و عمل ادعاهای این ایالات متحده می‌باند.

در رابطه با اظهارات خواندنگان دایر براینکه در مورد هویت خواهان واقعی قدری ابهام وجود دارد دیوان متذکر می‌شود که هم وزارت مکن و شهرسازی، و هم گترش مکن در مورد ماهیت دعوا دفاعیاتی مطرح ساخته و خواهان در لوایح تایمی خود فرضیه‌های حقوقی ای را که ادعاهای مختلف برآنها مبتتی است، مشخص نموده است. به‌نظر دیوان داوری بعلت کمبودی در این مورد به هیچ‌یک از طرفین لطمehای وارد نشده است.

در مورد این مسئله که آیا گسترش مسکن یک واحد تحت کنترل دولت ایران است یا خیر مدارک نشان می‌دهد که اکثریت سهام گسترش مسکن متعلق به علی ابراهیمی بوده است. اودریان شهادت‌نامه بقید سوگند اظهار می‌دارد که سهام شرکت نامبرده طبق "لایحه قانونی صفحه واداره (تسلیک و مدیریت) سهام شرکت‌های مقاطعه‌کاری و مواد مهندسی معاور" معتبر ۹ مارس ۱۹۷۹ (۱۳۵۷ هـ) صفحه

- ۱۲ -

گردیده است . نامبرده در همان سوگندنا مهاظها رمی دارد که در ۱۹
ژانویه ۱۹۸۵ (۱۳۵۸ هـ) دولت ایران آقای پرویز شمس توفیقی
را بعنوان مدیر آن شرکت تعیین کرد و جا نشین نامبرده تیزبک مدیر
منصوب از طرف دولت بود . خواندنگان انکار رسمی کنندکه جنین انتقامی
صورت گرفته است . طبق اظهار خواندنگان وجودیک مدیر منصب
از طرف دولت برای معاشرت از بسکاری نبوده و برای ادامه پروژه پرندگان ضرورت
داشتہ است .

کسترش مسکن اظهار نامه هاشی از طرف ۲۴ نفر پرنسپل کسترش مسکن و
شرکتیای تابع تسلیم نموده می برا سکد شرکت مذکور که شرکت
سبا می خاص بوده و عمالتیای خود را ماستدکنده طبق اساساً مدومندرات
وقوع عدمربوته انجام می دهد و "نتیجه می گیرندکه شرکت مذکور" از هر
حیث یک شرکت غیردولتی است" ولی این اظهار قاطع نمی تواند شواهدی
را که دلالت برکنترل دولت دارد ، نفی کند . خواندنگان هیچگونه مدرک
دیگری در این باره ارائه نداده اند . دیوان دادرس برآس سه مدارک موجود
نتیجه می گیردکه کسترش مسکن یک واحد تحت کنترل دولت ایران است و
بنا بر این دیوان صلاحیت رسیدگی به ادعای مطروحه علیه آن واحد
را دارد .

درقراردا دساختمان قیدشده است که اختلافات از طریق دادرسی توسط یک
کمیته حل و فصل شود . بند ۲ ماده ۱۴۵ مقرر می دارد :

در صورتیکه اختلاف از طریق کمیته حل نشده یا یکی از طرفین
از قبول تصمیم کمیته امتناع نماید ، اختلاف به محکم
صالح ایران ارجاع خواهد شد .

ادعای خواهان ناشی ازقراردا دساختمان نیست بلکه ازقراردا مدیریت
با کسترش مسکن و حسب ادعای از اعمال غیرقراردادی دولت ایران ناشی

می شود . بنا براین ماده فوق الذکر لازم الاتباع نبوده و دیوان داوری اختیاری ندارد و این بحث شود که آیا آن ماده مشخصا " حل اختلاف را از طریق محاکم ایرانی تعیین می کند تا به موجب بند ۱ ماده ۲ بیانیه حل و فصل ادعاهای زدیوان داوری سلب صلاحیت نماید .

دیوان داوری نتیجه می کیرد که صلاحیت رسیدگی به ادعاهای خواهان را دارد .

۲ - ماهیت دعوای

خواهان بمحض قرارداد مدیریت قرار بود خدمات مدیریت عملیات ساختمانی را عهده دار و بعضی پرسنل متخصص جهت پروژه پرندگ را تأمین نماید . در مقابل ، گسترش مسکن می باشد به خواهان حق الزحمه ای معادل ۲/۵ درصد پرداخته ائی که وزارت مسکن و شهرسازی یا از طرف آن وزارت خانه بمحض قرارداد ساختمان صورت می گرفت و همچنین ، ۱۰ درصد سود حاصل از جرای قرارداد ساختمان را بخواهان بپردازد و پاره ای هزینه های معین را جبرا ننماید . خواهان خسارت خود را بر اساس قیمت کامل قرارداد ساختمان محاسبه می کند .

خوانندگان اظهار می دارند که بمحض قوانین ایران چون خواهان دخیل بودن خود را در (شرکت مختلط) " گسترش - بلانت " در ارتباط با قرارداد مدیریت ، احرازنگرده است ، این امر سبب بی اعتباری قرارداد می شود . ولی استدلال مزبور براین فرض نادرست مبتنى است که قرارداد بین گسترش - بلانت و خواهان بوده است در حالیکه قرارداد بین گسترش مسکن و

مبلغ کل ناخالص مندرج درگواهی پرداخت موقت ما هانه ، تا جبران کا مل
مبلغ پرداختی توسط کارفرما ، به بستانتکار حساب وی منظور خواهد گردید ،
علاوه ، از گواهی های پرداخت موقت ما هانه مبالغ دیگری از حمله مالیات دولت
ایران و هزینه های رسمی دیگرو ۱۰ درصد ضمانت حسن انجام کارنیزکسر
خواهد شد . مدارکی در دست است که نشان می دهد که پیش پرداخت اول به
مبلغ ۵۴۳،۳۱۸،۱۶۸ ریال ، یا ۱۵ درصد بھای کل قرارداد در مدت مربوط
به حساب بلانت - گسترش و اریزشده بود . اما در مورد مبلغ مستهلك شده از
پیش پرداخت مزبور ، مبلغی که به عنوان پرداخت نهائی با بت خدمات
انجام شده وصالح عرضه شده تا دسامبر ۱۹۷۸ پرداخت گردیده و میزان
پرداختهاي خالص یا واجب الادا برآس گواهی های ما هانه مربوط به
دوره مزبور هیچگونه سندی در دست نیست . بدین ترتیب امكان ندارد
بتوان دقیقا " طبق قرارداد مدیریت ، یعنی برآس پرداختهاي که واقعا"
به عمل آمده ۲/۵ درصد حق الزحمه را محاسبه نمود . در این اوضاع واحوال ،
بنظر دیوان محاسبه حق الزحمه برآس حدومیزانی که پروژه تا دسامبر ۱۹۷۸
تکمیل شده بوده قابل توجیه می باشد .

در این رابطه باید مذکور شد که با اینکه بعضی از مدارک تسلیمی خواندنگان
نشان می دهد که وزارت مسکن و شهرسازی گهگاه در مورد تراخیرهای ایجاد
شده در کار ساختمان و تراقص آن شکایت و حتی تهدید به فسخ قرارداد داشتمان
کرده است ، مغذلک مدارک کافی وجود ندارد که خواهان آنطور که خواندنگان
اظهار می دارند در انجام به موقع و در حد کفايت خدمات مقرر در قرارداد
مدیریت قصور کرده باشد . این امر ممیدا بین نتیجه گیری است که حق الزحمه
خدمات را می توان برآس در صد تکمیل پروژه قرارداد . علاوه ، باید

متذکرگردیدکه اگر روش احتساب مزبور در مورد حق الزحمه بکار رود، خواهان بخودی خود در قبال اثرات و نتایج اقتصادی هرگونه تاخیری در پیشرفت پروژه کمناشی از فعل یا ترک فعل وی باشد، مسئول خواهد بود. اینکه بلانت هشت نفر را بطور تمام وقت در پروژه به کار نگمارده است، تخلف از نص قرارداد که ناظر به تامین "هشت نفر ... یا بی تعداد موردنیاز" است بشمار نمی آید. قرارداد مدیریت صراحت دارد که افرادی را که خواهان عرضه می نماید "بنا به احتیاجات پروژه اعزام خواهند گردید". مدارک موجود، موضع خواهان را دادیر برای اینکه وی افراد را به تعداد "موردنیاز" تامین کرده است، و نیز اینکه در آن هنگام اشتباه از شکایت نسبت به تعداد افراد عرضه شده وجود ندارد، تائید می کند.

برای محاسبه درصد تکمیل پروژه دو راه موجود است. طریقه اول عبارت از محاسبه میزان پیشرفت در احداث واحدهای مسکونی است. خواندنگان مدعیندکه عمل^۱ فقط ۱۳/۵ درصد از کار احداث واحدهای مسکونی تا پایان سال ۱۹۷۸ تکمیل شده بود. طریقه دیگر اینست که نسبت مبلغ کل ناخالصی که طبق قرارداد عمل^۲ بابت آن صورتحساب فرستاده شده، به کل بهای قرارداد در نظر گرفته شود. خواهان اظهار می دارد که در صورت استفاده از روش اخیر معلوم می گردد که تا پایان سال ۱۹۷۸ در حدود ۲۳ درصد موضوع قرارداد تکمیل شده بوده است.

نظر دیوان داوری این است که به منظور تعیین میزان حق الزحمه، روش دوم محاسبه مناسبتر است، زیرا که این روش ارزش کل خدمات انجام شده را با دقت بیشتری منعکس می کند. هزینه‌ها جرای قسمتهاي مختلف کار به اعتبار طبيعت اين کارها، طبيعتاً متفاوت است.

قسمت اعظم شواهد حکم می کنده که رقم ۲۳ در صد بی عنوان در صد تقریبی تکمیل پروره در موقع قطع خدمات خواهان رقمی بحدکفایت دقیق است. بنابراین، دیوان بمنظور تعیین حق الزحمه خواهان آن رقم را مورد استفاده قرار خواهد داد.

قیمت قرارداد ۵،۴۳۳،۱۸۱،۶۸۸ ریال بود، و ۲۳ درصد آین مبلغ ۱،۲۴۹،۶۳۱،۷۸۸ ریال است. خواهان مستحق دریافت ۲/۵ درصد از مبلغ اخیر الذکر یعنی ۳۱،۲۴۰،۷۹۴ ریال می باشد. طبق قرارداد ساختمان قسمتی از وجهه پرداختی می باشد که بدلار آمریکا باشد. اشاره ای هم به پرداخت به دلار آمریکا با بت مخارج در قرارداد مدیریت شده است. در این مورد که خواهان پرداختها را عمدتاً "به ریال نگاهداری می کرده است، مدارک کافی در دست نیست. وجهه یادشده در ۱۹۷۹ (اواخر ۱۳۵۷) بر عهده (خواننده) بوده. در این شرایط، دیوان داوری با یدنرخ تسعیر را در تاریخ بدھی در نظر گیرد، که بدینترتیب، مبلغ بدھی به خواهان به ۴۴۴،۵۷۶ دلار بالغ می شود.

علاوه بر حق الزحمه مورد بحث اخیر، قرار بود خواهان یک دهم سودهای حاصله از قرارداد ساختمان توسط گسترش مسکن و خواهان را دریافت نماید. خواهان این سود را ۱۵ درصد قیمت پایه قرارداد، برآورده کرده و به منظور اثبات عقلائی بودن این برآورده شهادت یک کارمند ساق و یک کارمند فعلی را ارائه نموده است. از طرف دیگر خوانندگان مطالبی در تائید ادعای خود ارائه نموده اند. برای اینکه گسترش مسکن در واقع سودی از پروره نبرده است.

خوانندگان در تائید ادعای خود، از جمله سایر مدارک، به ترازنامه

- ۱۸ -

(۱)

مورد ۲۰ مارس ۱۹۷۸ (۱۳۵۶ آسفندماه ۱۹۷۸) گسترش - بلات استناد کرده‌اند، این ترازنا مهیچگونه سودی نشان نمی‌دهد. اینکه جریان نقدیگی مشهود در بدوکار یک پروژه اجازه حصول سودفوری را نمی‌دهد بمعنی سودآور نبودن پروژه نیست. هزینه‌های شروع کار و سایر هزینه‌های غیرتکراری اکثراً "در مراحل اولیه یک پروژه بیش از حد منظور می‌شوند و سود موردنظر علاوه بر مراحل بعدی پروژه حاصل می‌شود، معهداً، هم مخارج اولیه و هم سودهای حاصله در مراحل بعدی بر حسب عمر پروژه تسهیم می‌شوند. علاوه بر این، دیوان داوری خاطرنشان می‌سازد که شرکت، دست کم با یادداز ژانویه ۱۹۸۰ ببعدت کنترل دولت به حساب آید (رجوع شود به پارagraf ۱ قسمت سوم در فوق).

بنظر دیوان، این یک فرض عقلائی است که بعد از نفاد قرارداد اختمان در مارس ۱۹۷۷، پیمانکار از پروژه پرنده سودی بدست آورده یا می‌توانسته است بدست آورده، و بخشی از آن سودقابل انتساب به دوران قبل از انفعال بلات است.

دیوان داوری بنا به ملاحظه خود مبلغ قابل پرداخت به خواهان با بت‌سهم وی از سود موضوع قرارداد مدیریت را برآس سرخ تقریبی سود به میزان ۱۵ درصد بهای قرارداد تعیین کرده و حکمی به مبلغ مقطوع ۱۷۵،۰۰۰ دلار به نفع خواهان صادر می‌نماید.

خواهان اظهار می‌دارد که چون قراربود مبلغ ناخالص قرارداد مندرج در قرارداد اختمان بسته به افزایش یا کاهش قیمت مصالح و کارگر، طبق فرمول خاصی تعديل شود، لذا باید حق الزحمه بر مبنای مذبور افزایش یابد. قراربود فرمول مذبور حاوی شاخص‌هایی باشد که سازمان برنامه

(۱) همانطور که قبل "ذکر شد وظیفه گسترش - بلات وصول وجهه مورددین به پیمانکار طبق قرارداد اختمان و نیز امور حسابداری بود.

وبودجه ایران تدوین می کند. شاخص های موربد بحث هرگز تدوین نشد. از این رو، خواهان از شاخص استفاده نموده که خود آن را شاخص سه ما هه واحدی می خواند. محاسباتی که خواهان در مورد افزایش آتی حق الزحمه انجام داده مبتنی بر تخمینی است که از یک جدول نمودار استخراج شده است. خواهان در مورد تحویه استفاده از فرمول در صورت بکار بردن بهای کامل قرارداد مدارکی تسلیم نموده، اما جهت محاسبه برآساز درصدی از بهای کل قرارداد مدارک کافی ارائه نداده است. باید متذکر گردید که برخی از اقلام مشمول تعديل قیمت نمی گردد. علاوه در این مورد که روش قابل اعمال در مورد تعديل قیمت معمول گردیده یا خیر، مدارک کافی در دست نیست.

علیهدا، تحت این شرایط دیوان داوری بر مبنای تعديل هزینه های برآورده حکمی به نفع خواهان نمی دهد.

خواهان، طبق قرارداد مدیریت، استحقاق داشت که پاره ای از مخارج قابل استرداد را دریافت دارد. این هزینه ها عبارت بودا زکلیه مخارج پرسنلی، "با ضافه هزینه های مربوط به تسهیلاتی که برای انجام وظائف گوناگون موردنیاز پرسنل بود".

صورتحسابها به شرکت مختلط بلانت - گسترش که پرداختها را به عهده داشت، ارائه می گردید. این صورتحسابها مل هزینه های قابل استرداد بود. مبلغی که در حال حاضر از بابت صورتحساب مربوط به هزینه های قابل استرداد بلای پرداخت مانده ۳۲۵،۹۵۹ دلار آمریکا است. هیچ مدرکی که حاکی از اعتراض گسترش مسکن به هر یک از این صورتحسابها باشد، در دست نیست. در واقع قسمتی از آنها پرداخت شده است. خواهان کلیه صورتحسابها و اطلاعات مؤیدرا در دسترس گذاشته و گسترش مشخصا "به هیچ یک از مبالغ ایران نگرفته است. بنابراین، دیوان داوری برای نظر است

- ۲۰ -

که گسترش مسکن متعهد است با بابت اجنباس و خدمات عرضه شده قابل جبران ، مبلغ ۳۵،۹۵۹ دلار آمریکا به خواهان پردازد .

بدینترتیب ، خواهان مستحق بوده است که جمعا " مبلغ ۹۵۸،۰۳۵ دلار ، و یا اینکه پس از کسر ۵/۵ درصد مالیات طبق اقرار خواهان ، مبلغ ۹۰۲،۵۰۸ دلار آمریکا دریافت دارد ، و چون قبلا" مبلغ ۳۷۶،۶۸۸ دلار بهوی پرداخت شده ، علیهذا ، اکنون حق دارد مبلغ ۵۲۵،۸۲۰ دلار دریافت نماید .

گسترش مسکن در جلسه استماع دوفقره چک ۱۲،۵۰۰،۰۰۰ ریالی ارائه داده و ادعا کرده است که مبلغ آنها را به بلات پرداخت نموده است . مدارک نشان می دهد که یکی از دو چک بعلت کسر موجودی برگشت داده شده و چک دوم هرگز به بانک ارائه نشده است . بنابراین هیچیک از این چکها پرداخت دین بشار نمی آید .

خواهان از تظر عدم پرداخت مبالغ موردنطلب مستحق دریافت خسارت می باشد .

دیوان داوری معتقد است که خواهان باید از اول ژانویه ۱۹۷۹ (۱۱ دیماه ۱۳۵۲) تا تاریخی که کارگزار امانی دستور پرداخت مبلغ حکم را به بانک امین می دهد ، بهره ای به نزد عادله ۱۵ درصد دریافت نماید .

دیوان داوری دلیلی نمی بیند که خوانده وزارت مسکن و شهرسازی را طبق ادعا مسئول بشناسد . بنابراین ، ادعا علیه وزارت مسکن و شهرسازی مردود شناخته می شود .

۳ - ادعا های متقابل

در مورد ادعاهای متقابل با بابت تاخیر ، وزارت مسکن و شهرسازی بمحض قرارداد فقط مستحق دریافت خسارات تخمینی بیش بینی شده بدلیل نقض قرارداد

- ۲۱ -

بابت تا خیرات بعده از تاریخ تکمیل می باشد . تاریخ اصلی تکمیل با اقدامات طرفین تمدید شده و موعد آن به بعد از تعیینت بلانت از ایران می افتد . از آنجا که دیوان داوری در این حکم سودهای را که بلانت بعد از انفالش بدست می آورده در نظر نگرفته است ، بنابراین نمی توان بلانت را مسئول مسائلی دانست که بعد از آن تاریخ رویداده است . همچنین با یدتوجه کردنکه در نوا مبر ۱۹۷۸ مهندس مشاور وزارت مسکن اظهار داشته که "تعهدات پیمانکار عمدتاً" انجام پذیرفته است .

ادعای متقابل وزارت مسکن و شهرسازی بابت تا خیر ، بر قید جرمیه مندرج در قرارداد ساختمان مبتنی است . هیچیک از طرفین ضمن استدلالات خود این مسئله را عنوان نکرده است که می توان گفت که ادعای متقابل حاضر از همان "قرارداد ، معامله یا پیش آمدی" که منشاء ادعای خواهان است ، ناشی شده است ، تا بدان وسیله دیوان داوری طبق مدلول بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی جهت رسیدگی به آن صلاحیت داشته باشد . با توجه به نظر فوق در مورد ادعای متقابل حاضر لزومی ندارد که دیوان داوری به موضوع صلاحیت بپردازد .

در مورد هر ادعایی بابت مالیات و حق بیمه های اجتماعی ، حتی اگر دیوان صلاحیت رسیدگی به آنها را می داشت (موضوعی که دیوان در مورد آن تصمیم گیری نمی کند) مدرک کافی در دیوان وجود ندارد که نشان دهد چنین مالیات هایی واجب الادا است . خواهان به خدمات دفتر ایرانی یک موسسه حسابداری معروف بین المللی جهت رسیدگی به امور مالیاتی خود است نادکرده و همچنین حسابداری در اختیار داشته که اسناد ارائه شده به موسسه حسابداری را نگاهداری می کرده است . بلانت مدارک پرداخت مالیات و اسناد مربوط به حق بیمه های اجتماعی را ارائه داده است . خوانندگان مدارک کافی دایribra ينکه مالیات های بیمه های اجتماعی

توضیحی درباره امضا نشدن احکام توسط قاضی ثانی

شورهای مربوط به پرونده حاضرها حضور اعضا آن منگارد، همانگیرثانی و ماسک، پس از استماع مورخ ۱۵ اوپت ۱۹۸۳ (۲۳ و ۲۴ اسفندماه ۱۳۶۱) و پیش از تعطیلات تابستانی دیوان که در تاریخ ۱۱ ژوئن ۱۹۸۳ (۲۱ خردادماه ۱۳۶۲) آغاز گردید، برگزار شد. طی جلسه‌نهاش شعبه که پیش از آغاز تعطیلات تابستانی دیوان تشکیل گردید، تصمیم گرفته شد که شعبه در اواخر اوت ۱۹۸۳ کار خود را از سرگیرد. برآسان این تصمیم رئیس شعبه بیادداشت مورخ ۱۳ ژوئن ۱۹۸۳ (۲۲ خردادماه ۱۳۶۲) خود را صادر کرده و در آن از داوران شعبه درخواست نمود روزهای ۸، ۱۰ و ۱۲ اوت ۱۹۸۳ (به ترتیب ۱۹، ۲۰ و ۲۱ مردادماه ۱۳۶۲) را به شورهای شعبه اختصاص دهد، سه جلسه دستور شماره ۱۵۰ مورخ ۱۵ ژوئن ۱۹۸۳ (۲۵ خردادماه ۱۳۶۲) (ریاست دیوان)، به شعبه دوازدهم داده شد که تا تاریخ ۲۱ ژوئیه ۱۹۸۳ (۹ مردادماه ۱۳۶۲) در موادی جنون درخواست صدور قرارهای موقت باسا یا موضوعات فوری، بحای شعبه اقدام کند. علاوه بر این، طبق برنامه رسمی رسیدگی‌های دیوان که در تاریخ ۶ ژوئن ۱۹۸۳ (۱۶ خردادماه ۱۳۶۲) انتشار یافت، تشکیل جلسه دیوان عمومی در روزهای ۱۷ - ۱۵ اوت ۱۹۸۳ (۲۶ - ۲۴ مردادماه ۱۳۶۲)، جلسات استماع شعبه سه‌در روزهای ۲۵، ۱۹، ۱۸ و ۳۰ اوت (بترتیب ۲۸، ۲۷ مردادماه و ۳ و ۸ شهریور) و یک جلسه استماع مقدماتی در روز اول سیا مبر ۱۹۸۳ (۱۰ شهریور ۱۳۶۲) در نظر گرفته شده بود.

در تاریخ ۶ اوت ۱۹۸۳ (۱۵ مردادماه ۱۳۶۲) رئیس شعبه برونا مه برگزاری جلسات شعبه را صادر کرد. طبق این برنامه قرار ارشدنهاشی کردن احکام پرونده‌های شماره ۸۴، ۳۴۶، ۱۸۵، ۱۲۴، ۳۵ در ۱۱ و ۱۲ اوت ۱۹۸۳ (۲۵ و ۲۱ مرداد ۱۹۸۲) و شورهای مربوط به پرونده‌های شماره ۳۵، ۶۲، ۷۶، ۱۲۷ در ۱۳ اوت ۱۹۸۳ (۱۳۶۲)

۲۲ مردادماه (۱۳۶۲) صورت گردد.

نماینده رابط حمپوری اسلامی ایران در نامه مورخ ۱۵ آوت ۱۹۸۳ (مردادماه ۱۳۶۲) خود به دیوان اظهار داشت:

"که قاضی مصطفی جهانگیرثانی، داور ایرانی شعبه‌دیوان
داوری، استعفای خود را به دولت حمپوری اسلامی ایران تسلیم
کرده و دولت مزبور این استعفار را پذیرفتهاست. استعفای
موردنیح از تاریخ ۱۵ آوت ۱۹۸۳ قطعیت بافته و حاشیین ایشان
موقع خود به دیوان معرفی خواهد شد".

در این نامه از دلایل این استعفا ذکری سیان نیامده است.

رئیس دیوان دستور دادی بعضی از حلقات استماع دیوان عمومی که قرار گردید
در روزهای ۱۵ تا ۱۷ آوت ۱۹۸۳ (به ترتیب ۲۴ تا ۲۶ مردادماه ۱۳۶۲) تشکیل
شود، سعدموکول گردد. علاوه بر این رئیس شعبه‌سازی برگزاری حلقات خاص
نهایی کردن احکام و شورهای مقرر در هفته ۸ آوت ۱۹۸۳ (۱۲ مردادماه ۱۳۶۲)
را ملتفی کرد.

قاضی جهانگیرثانی در جلسه مورخ ۱۵ آوت ۱۹۸۳ (۲۴ مردادماه ۱۳۶۲) دیوان
عمومی حضور نداشت. در جلسه مورخ ۱۷ آوت ۱۹۸۳ (۲۶ مردادماه ۱۳۶۲) دیوان عمومی،
رئیس دیوان اظهار داشت که تا کنون دلائل معتبری برای غیبت قاضی ثانی سه
دیوان واصل نشده و دیوان احرازه حنین غیبتی را به ایشان نداده است.
رئیس دیوان همچنین اعلام داشتند که بر عهده شعبه سه دیوان عمومی است که
پیا مدهای قانونی این غیبت را در ارتباط با هر یک از پرونده‌های مطروح نزد
شعبه سه دیوان معین کنند. پس از آن رئیس شعبه سه دستور داد حلقات استماعی
که قرار گویی در روزهای ۱۸، ۱۹ و ۲۵ آوت (سد ترتیب ۲۶ و ۲۸ مردادو ۳ شهریور)
و جلسه استماع مقدماتی که قرار گویی در اول سیا سیار (۱۵ شهریور) تشکیل گردد،
به سعدموکول نود.

رئیس شعبه سه طی نامه مورخ ۱۸ آوت ۱۹۸۳ (۲۶ مردادماه ۱۳۶۲) که از طریق
ست و تلکس ارسال شد، قاضی ثانی را از نکات اعلام شده توسط رئیس دیوان
مطلع ساخت و ترمه اطلاع ایشان رسانید که برنا م حدیدی تنظیم شده که موضع

آن از جمله نهائی کردن و امضا حکم این پرونده در تاریخ ۲ سپتامبر ۱۹۸۳ (۱۳۶۲ شهریور) انجام خواهد شد.

قاضی جهانگیر شناسی در تلکس مورخ ۲۶ آوت ۱۹۸۳ (۱۳۶۲ شهریور) خطاب رئیس شعبه سه وصول نامد مورخ ۱۸ آوت ۱۹۸۳ (۱۳۶۲ مرداد) را تاء بید کرد و به رئیس شعبه سه اطلاع داد که از نظر اشان اعلام استعفای ایشان به حمایت اسلامی ایران قانوناً نسبت به دیوان داوری نیز محروم است و ایشان از این بسته "محاذ و مختار به شرکت در اخذ تصمیم یا صدور احکام نبسته" جز "در مورد نظر حقوقی با حکمی که قبلاً" ابلاغ با اعلام شده باشد و ایشان در تمهید و تمهید بیش نویس، با تنظم و ترتیب آن درگیر بوده است".

نه در این تلکس و نه در تلکس واصله در روز بعد که سدر شیس دیوان خطاب شده بود، قاضی جهانگیر شناسی این نکته را مطرح ساختند که شرکت در حله ۲ سپتامبر (۱۳۶۲ شهریور) از لحاظ حسماً برای ایشان معکن نست.

قاضی شناسی در حله امضا حکم این پرونده که در تاریخ ۲ سپتامبر (۱۳۶۲ شهریور) در شعبه سه برگزار شد حضور نداشت.

تحت شرایط و اوضاع و احوال فوق الذکر، دیوان برآن تدکیه بر اساس سند ۴ ماده ۲ قواعد دیوان، کارا مضا حکم را در غایب قاضی جهانگیر شناسی به بابان برد.

لاهه، ستاریخ ۲ سپتامبر ۱۹۸۳ (برابر با ۱۳۶۲ شهریور)



سیلی منکار د

رئیس شعبه سه



رسار دام، ماسک